



2 دسامبر 2013

داکتر سید عبدالله کاظم

افغانستان در آستانه یک بحران عمیق سیاسی - اقتصادی

دیروز مشرانو جرگه افغانستان عمر زاخیلوال وزیر مالیه را به مجلس فراخواند تا درباره بودجه سال آینده کشور و امکان افزایش تخصیصه بعضی ولایات به اعضای آن جرگه معلومات دهد. وزیر مالیه ضمن ارائه معلومات به این واقعیت تلخ اشاره کرد که: «تقریباً صد درصد بودجه ما وابسته به کمک های خارجی است، پس چگونه این وزارت بتواند [میتواند] تمامی نیازمندیها را در بودجه بگنجانند». او افزود که: «کار ساخت و ساز کمتر شده است، شما شاید در شهر ببینید بسیاری ساختمانها که کار های شان [آن] جریان داشته اند، اکنون متوقف استند و سرمایه ها نیز از افغانستان در حال فرار استند. این مشکلات واضح است که بالای عواید داخلی کشور اثر می گذارد» (1)؛ زاخیلوال ضمناً راجع به سقوط «پایه رشد اقتصادی» که در سالهای قبل به 10 تا 13 فیصد در سال میرسید، گفت که امسال پایه رشد در کشور شدیداً سقوط کرده و بین 2 تا 3 فیصد رسیده است.

اگر از گفته های وزیر مالیه بگذریم و نظری به «نرخ و نوا» در بازار های کابل ببندازیم، باز هم دیده میشود که نرخ تبادل افغانی با دلار امریکائی از آنچه در سال گذشته یک دالر در حدود 47 افغانی تبادل میگردید، با آنکه بانک مرکزی کما فی السابق مقادیر هنگفت دالر را به مقصد حفظ ارزش تبادلوی افغانی در برابر دالر در بازار بفروش میرساند، باز هم در این روز ها نرخ تبادل به یک دالر 58 افغانی و حتی نزدیک به 60 افغانی رسیده است.

علاوتاً با حلول روز های سرد زمستان و نیاز جدی مردم به مواد سوخت از جمله گاز مایع، قیمت یک کیلو گاز از 50 افغانی به 90 افغانی افزایش یافته است و به همین ترتیب قیمت سائر مواد نیز در ارتباط با تغییر نرخ تبادل روبه صعود میباشد، در حالیکه معاش ثابت یک مامور متوسط ماهانه بطور اوسط 7000 افغانی، زندگی روزمره بیشترین نفوس کشور را که شامل خانواده های بی بضاعت میگردد، به مشکلات جدی بخصوص در ایام زمستان مواجه می سازد.

سطح بسیار بالای بیکاری که یکی از معضلات بارز کشور محسوب میگردد و متأسفانه کمترین توجهی برای حل آن در مدت یک دهه صورت نگرفته است، باز هم بیشتر و بیشتر میشود و رکود امور ساختمانی و فرار سرمایه (طوریکه وزیر مالیه به آن اشاره کرده است) امکانات ناچیز استخدام را نیز از بین برده و روز بروز به تعداد بیکاران می افزاید. نگاهی به محلات مرکز تجمع کارگران ساختمانی برای دریافت کار میرساند که تعداد کثیر از کارگران «روزمرد» از صبح تا عصر منتظر اند تا کسی آنها را حتی برای چند ساعت استخدام کند، ولی این چانس فقط برای عده ای محدود میسر میگردد و هنگام عصر اکثریت با دست خالی به کلبه های خویش برمیگردند که حتی از بردن چند قرص نان برای فرزندان و عائله خود عاجز می مانند.

وزارت مالیه در عین زمان اعتراف میکند که عواید داخلی بخصوص عواید ناشی از محصول گمرکی در بنادر تجارتي و گمرکات کشور در حوالی 20 فیصد به مقایسه سال گذشته تقلیل یافته است که دلیل آنرا واضح نمی سازد. این تقلیل به یقین ناشی از کم شدن واردات نیست، بلکه بیشتر از شیوع اقتصاد غیرقانونی از جمله قاچاق و فساد اداری نشأت میکند، مخصوصاً در این ماه های اخیر که دستگاه دولت بیش از هر وقت دیگر در یک حالت بی بندباری و رکود قرار دارد و همه از رئیس جمهور گرفته تا هر مقام عالی با «سیاست بازیهای روزمره» سخت مصروف اند و خبری از اوضاع عمومی و اداری کشور ندارند. مقام ارشد دنبال چانه زنی با خارجی ها است، عده ای دیگر در پی زمینه سازیها برای انتخابات و معاملگریهای «بده و بستان» در جهت جابجا کردن خود و وابستگان سیاسی در قدرت برای

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنېنت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکني دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

آینده هستند و باقی کارمندان دولت از خورد تا بزرگ به اصطلاح «میدان را شغالی دیده» مصروف پرکردن جیب های شان میباشند و همه بجان خود بوده و کسی در قصه مردم بیچاره نیست.

درقبال این وضع که کشور درآستانه یک بحران عمیق سیاسی — اقتصادی قرار دارد، باید توجه کرد که خروج احتمالی قوای ناتو و امریکائی از افغانستان درقدم اول به حیث یک عامل مهم روانی میتواند بر شدت و سرعت بحران بیفزاید و آنرا از حد کنترل بیرون کند. دراین مرحله حساس که وطن بیک «ماساژ» روانی جداً احتیاج دارد، اظهارات ضد و نقیص رئیس جمهور و بهانه تراشی های پیهم او به این آتش دامن میزند و زمینه های بی باوری و فقدان اطمینان را برای آینده در بین اقشار مختلف جامعه بیش از پیش مساعد می سازد.

اوضاع جاری کشور مرا به یاد قصه شاگرد «مداری» می اندازد که در محضر تماشاگران با نواختن طوله موفق میشود مارهای افعی را از قطی ها بیرون کند و رقص آنها را به نمایش بگذارد، اما درپایان نمایش هرچند می کوشد و هر نغمه را با طوله می نوازد، نمیتواند مارها را از میدان دوباره به قطی ها برگرداند. باذکر این مثال ترس من از آنست که رئیس جمهور کشور باتجربه بیش از یک دهه، مثل شاگردمداری دراین آزمایش های سیاسی ناعاقبت اندیشانه خود ناکام بماند و آنوقت که مدت کارش به پایان برسد و با اخذ معاش رسمی 20 هزار دالر در ماه و اقامت در قصر مجلل جوار ارگ آرام بخسپد، و لی مردم بیچاره وطن از دست آوردهای مفتضحانه دوران ریاست جمهوری او متقبل رنج و عذاب دوامدار گردند.

گمان میکنم کسانیکه به استناد از مصاحبه رئیس جمهور با رادیو آزادی، او را «مستحق!!» میدانند، بیشتر به آنده تماشاگرانی شباهت خواهند داشت که مجذوب نواختن طوله «شاگرد مداری» شده اند که چگونه مارها از قطی بیرون کرده و به رقص وامیدارد، اما آنها به صحنه های بعدی که آیا شاگرد مداری قادر به آن خواهد بود که مارها را دوباره به قطی ها برگرداند و مردم را از گزند آنها به امان سازد، هرگز توجه نکرده اند.

نقطه آغاز یک بحران مدعش سیاسی - اقتصادی را میتوان از ورای این خبر به وضاحت احساس کرد که دیروز ضمن یک گزارش از قول وزیر دفاع و داخله درجلسه شورای امنیت ملی افغانستان در ارگ گفته شد که: ایالات متحده امریکا تیل و اکمالات را در دوسه مورد در برخی از جزو تالمهای اردوی ملی و پولیس ملی قطع کرده و از اینطریق در پیشبرد امور جزوتالمهای مذکور سکتگی رونما گردیده است. برطبق گزارش دفتر ریاست جمهوری، مجلس شورای امنیت ضمن بحث بر موضوع به این نتیجه رسید که: «قطع نمودن تیل و خدمات حملوی بر اردو و پولیس ملی منحیث وسیله فشار از جانب ایالات متحده امریکا مورد استفاده قرار میگیرد تا افغانستان با چشم پوشی از شرایط خویش، قرار داد امنیتی را با امریکا به امضا برساند»، همچنان مجلس یادآور شد که: لویه جرگه مشورتی با تائید قرار داد امنیتی نشان داد که مردم افغانستان به امید دست یافتن به امنیت و صلح این قرار داد را میخواهند، اما این رابطه فقط از طریق همکاری میتواند به نتیجه برسد، نه به واسطه اعمال فشار و ایجاد وابستگی». (2)

بانشر این گزارش مقامهای ائتلاف بین المللی و مراجع امریکائی این خبر را فوری رد کرده و گفته اند که: «در رسانیدن مواد سوخت درخواست شده توقیفی صورت نگرفته است و ما به حمایت از همکاران خود در نیروهای امنیتی افغانستان متعهد هستیم و به این حمایت ادامه میدهم». دراین رابطه مفتش عمومی امریکا که از امور مالی بازسازی افغانستان نظارت میکند، گزارش داده است که: «امریکا از 2007 تا 2012 حدود 500 میلیون دالر برای نیروهای امنیتی افغانستان مواد سوخت خریده و این مبلغ درسال جاری 135 میلیون دالر بوده است». به قول برخی از منابع نظامی افغانستان: در اثر قطع کمک مواد سوخت هلیکوپترهای اردو از کار افتاده و «به همین دلیل نیروهای امنیتی نتوانسته اند اجساد سربازان را از مناطق دوردست به کابل انتقال دهند». (3)

با ذکر این مثال که به قول نیویارک تایمز در حکم یک «بهانه از جانب کرزی(4)» است، میتوان عمق مشکل افغانستان را درک کرد که حتی برای یک روز حکومت افغانستان توان ایستادگی به پای خود را ندارد، چه رسد به آنکه این کمک ها با خروج قوای ناتو و امریکائی بطور جدی تقلیل یابد و یا احتمالاً قطع گردد. اینکه چرا حکومت افغانستان در این دوازده سال نتوانسته ذخایر ستراتژیک را برای نیروهای امنیتی خود تدارک ببیند و تحمل یک روز قطع مواد سوختی را ندارد، سؤالیست که باید مقامات امنیتی کشور به آن پاسخ گویند و اینکه چگونه این مقامات پس از خروج قوای خارجی از کشور و ایجاد مشکلات متعدد برای اردوی ملی و پولیس ملی، قادر به حفظ صلح و ثبات در کشور

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خواهند شد، سؤال دیگر بیست که ناتوانی ما را در همچو حالت آشکار میکند و لذا خطر سقوط نظام را بدست مخالفان محتمل و برگشت به دوران سالهای 90 یک امر مسلم و قطعی می سازد.

خطر فوق را واشنگتن پست چنین بیان میکند که: «لجاجت رئیس جمهور کرزی در مورد امضای موافقتنامه امنیتی تا پایان امسال، گزینه صفر یعنی خروج تمام نیروهای امریکائی را از افغانستان به واقعیت نزدیک ساخته است» و به قول مایک راجرز — عضو مجلس نمایندگان امریکا که گفته است: «ماتعهد کرده بودیم که [در افغانستان] باقی می مانیم، اما اکنون بستره های خود را بسته و روان هستیم». همچنان جیمز دابنز، نماینده خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان تصریح میکند که: «اگر توافقنامه امضا نشود...، شما بی ثباتی را در جریان انتخابات آینده» مشاهده خواهید کرد. راجع به علت این وضع سناتور دموکرات خانم فابین شتاین — رئیس کمیته استخبارات سنای امریکا اشاره به مشکل شخصی رئیس جمهور افغانستان کرده و آنرا در یک جمله کوتاه مختصر ساخته و می گوید که: «کرزی تا حد زیاد از فرط عصبانیت قربانی افکاری میشود که اصلاً وجود ندارد و اما برای یک لحظه در ذهنش خنجر میزند» (5).

اکنون اگر همه گفته های فوق منابع امریکائی را به زعم بعضی ها جز تبلیغات (پروپاگند) حساب کنیم و به آن ارزش قایل نشویم، باید یکبار سر به گریبان خود فرو بریم و کلاه خود را در برابر خود قرار دهیم و بعد ببینیم که آنچه آنها میگویند، واقعیت دارد یا نه؟ آیا با بیرون رفتن قوای خارجی ما قادر به حفظ ثبات و امنیت در کشور خواهیم بود؟ آیا در طول این دوازده سال ما توانسته ایم در جهت «خودکفائی» نسبی کشور قدمهای لازم و مطمئن بگذاریم؟ آیا از میلیارد ها دالر که حاتم طائی وار دیگران به پای کشور ما ریخته اند، استفاده لازم برای ارتقای سطح زندگی و رفاه مردم بیچاره خود کرده ایم؟ بدون شک و تردید، جواب این سؤالات یک حرف ساده است و آنهم: «نه»!

در این احوال رئیس جمهور کشور به هدایت مشاوران ارشد خود که برای تأمین صلح و ثبات در صدد جستجوی راه حل های «منطقه ای» است و میخواهد به وعده های میان خالی کشورهای همسایه پناه جوید، باید بداند که در این قمار سیاسی همه تلاشها بی نتیجه خواهند بود، زیرا بدون حمایت یک کشور قوی، رفتن بسوی همسایه های طماع شباهت به عسکری خواهد داشت که به میدان جنگ بدون اسلحه برود.

اگر آقای کرزی خود را سیاستمدار با نام نشان بین المللی میدانند و میخواهد در آخر عمر حکومتداری خویش میراث با اعتبار ملی از خود بجا بگذارد، از راهی که بخصوص در این روزها در پیش گرفته است، باید به کمک عقل و درایت و آینده نگری برگشت کند، زیرا راه او اکنون به قول معروف به «ترکستان» میرود و میراث او جز مصیبت و عقوبت برای کشور چیزی بیش نخواهد بود و آنچه از خود در تاریخ به یادگار خواهد گذاشت، کمتر از بدنامی استادش یعنی جارج بوش - رئیس جمهور اسبق امریکا که بین مردم به یکی از بدنام ترین رؤسای جمهور آن کشور لقب یافته است، نخواهد بود.

در همین آوان مؤسسه بین المللی «دیدبان حقوق بشر» با نشر یک گزارش مبسوط بار مسئولیت بزرگتر را بدوش آقای کرزی می اندازد و اجرات او را در زمینه پی گیری عدالت انتقالی زیر سؤال می برد و می نویسد که: «رئیس جمهور افغانستان تلاش برای حسابگیری از عاملان جرایم جنگی را متوقف کرده است». گزارش می افزاید: «ارتکاب جرایم جنگی و نقض حقوق بشر در 35 سال گذشته در افغانستان همچنان ادامه دارد... و هیچ بازپرسی از مرتکبان جرایم جنگی و ضد بشری وجود نداشته است». به قول خانم هیدربار — گزارشگر ارشد آن مؤسسه: «بسیاری از افرادی که از پی گیری جرایم جنگی متأثر میشوند، در حکومت آقای کرزی کار میکنند و یا شرکای مهم دولت هستند و رئیس جمهوری هم برای اینکه این افراد در وضعیت بدتری قرار نگیرند، از پی گیری عدالت برای قربانیان جنگها چشم پوشی میکند» (6). اما سخنگوی ریاست جمهوری ایمل فیضی که جوان با استعداد و خوب است، با افتادن «طوق» مقام در گردنش، زبان را برخلاف آنچه باورش است، بکار می اندازد و هر ادعا را، ولو حقیقت باشد، شایعه سازی میدانند و رد میکنند و در این مورد نیز، مثل سایر موارد می گوید: «این ادعا بخشی از تلاشها برای اعمال فشار های سیاسی بالای رئیس جمهوری افغانستان است».

باملاحظه اوضاع حساس جاری کشور که زنگ های خطر وقوع یک طوفان مدش سیاسی و اقتصادی را به زودی به صدا خواهد آورد، لازم است تا رئیس جمهور افغانستان با درایت و عاقبت اندیشی لازم برحسب مقام و مسئولیت های قانونی خود تصمیمی اتخاذ کند که در آن اهداف بزرگ و منافع عالیای کشور مضمر باشد، نه آنکه با طرح مسائل

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

جزئی که میتوان به سهولت آنرا از طریق مذاکره و مفاهمه حل کرد، با ضد و نقیض گوئیها و بهانه تراشی های غیر دیپلماتیک سرنوشت فردای کشور را به بازی گرفت و افغانستان را بار دیگر در تجرید سیاسی و اقتصادی قرار داد. هیچ سیاستمدار متعهد به منافع ملی را نمیتوان شناخت که در پی رسیدن به اهداف کوچک و فرعی، اهداف بزرگ و اصلی را قربان کند. مسلم است که عاقبت اینکار برای او و مردم کشور ناگوار خواهد بود. امید است آقای کرزی و همکارانش از این خواب گران هرچه زودتر بیدار شوند و واقعیت ها را ، ولو تلخ و ناگوار، با چشم باز مشاهده کنند.

(پایان)

فهرست مأخذ:

- 1 - گزارش صالحه سادات: طلوع نیوز، مورخ 10 قوس 1392 (اول دسامبر 2013)
- 2 - گزارش دفتر ریاست جمهوری، مورخ 10 قوس 1392 (اول دسامبر 2013)
- 3 - گزارش بی بی سی: مورخ 11 قوس 1392 (2 دسامبر 2013)
- 4 - گزارش رادیو آزادی، از قول نیویارک تایمز: مورخ 11 قوس 1392 (2 دسامبر 2013)
- 5 - گزارش رادیو آزادی، از قول سی ان ان و واشنگتن پست، مورخ 11 قوس 1392 (2 دسامبر 2013)
- 6 - گزارش دیدبان حقوق بشر، از قول بی بی سی: مورخ 10 قوس 1392 (اول دسامبر 2013)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ